

فرسنگ جامع
جاذبه های طبیعی و آثار تاریخی
استان خراسان رضوی

نویسنده و پژوهشگر

محمد رضا شیخ



سرشناسه

عنوان و نام پدیدار

: شیخ، محمدرضا، ۱۳۴۷

: فرهنگ جامع جاذبه های طبیعی و آثار تاریخی استان خراسان رضوی / نویسنده و پژوهشگر
محمدرضا شیخ.

مشخصات نشر

: مشهد، سخن گستر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری

: ۶۴۶ ص: مصور (بخشی رنگی)، جدول.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۷-۷۶۳-۷

فهرست نویسی

: فیا.

یادداشت

: واژه نامه.

یادداشت

: کتابنامه: ص. ۶۰۵-۶۰۶

یادداشت

: نمایه.

موضوع

: گردشگری -- ایران -- خراسان رضوی -- کتاب های راهنما

موضوع

: Tourism -- Iran -- Khorasan e Razavi -- Guidebooks

موضوع

: خراسان رضوی -- آثار تاریخی

موضوع

: Khorasan Razavi (Iran : Province) -- Antiquities

رده بنده: سگره

: ۱۳۹۶ ش ۵۲۳ / ۲۰۱۷ DSR

ردیف: دی

: ۹۵۵/۱۲۹

شماره: بایخانه ملی

: ۵۰۶۸۶۲۵

فرهنگ جامع جاذبه های طبیعی و آثار تاریخی استان خراسان رضوی

A Comprehensive Lexicon of Natural Attractions and Historical Monuments of Khorasan Razavi Province

محمدرضا شیخ

نایب: نویسنده: ۰۹۱۵۳۱۱۹۵۷۳ / info@mrsheykh.ir / www.mrsheykh.ir

تایپ: فاطمه صدری

ویراستار: سیدجلال قیامی میرحسینی

صفحه آرا: الهه رضوانی

تدارکات: فرهاد شیخ، فرید شیخ و فاطمه صدری

بازنگری: مهمل آثار تاریخی: محمود طغرائی، کارشناس ارشد سازمان میراث فرهنگی

بازنگری بخش مناطق زیر پوشش حفاظت محلی: علی خانی، کارشناس سازمان حفاظت محیط زیست
عکس روی جلد: ارتفاع: عزار مسجد، گلزار ساره میدان - کلات، بروسای زرق

چاپ اول / ۱۳۹۷

جلد ۱۰۰۰

چاپ البرز

تومان ۷۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۷-۷۶۳-۷



ناشر: سخن گستر

مشهد- خیابان ابن سینا- بین ابن سینا ۱ و ۳- ساختمان اطبا /

تلفن: ۴۳ ۹۹ ۵۵ - ۳۸ ۰۵۱

تلفن مرکز پخش: ۰۹۰۱۴۷۱۹۹۸۴ - ۰۹۱۵۳۱۱۹۵۷۳

هیچ شخص حقیقی و حقوقی بدون اجازه رسمی و کتبی از مؤلف حق استفاده جزئی، کلی، بازرگانی یا بهر شکل ممکن اعم از تکثیر، بازنویسی، فیلم سازی، ذخیره و انتقال رایانه ای را ندارد. نقل حداکثر سیصد واژه برای نقد و معرفی با ذکر منبع رواست. متخلفان به موجب بند پنج ماده دو قانون حمایت از ناشران تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست

۱۳	مقدمه استاندا	خراسان رضوی، علی رضا رشیدیان
۱۴	مدیرکل	راث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی، دکتر رحیم رهنما
۱۵	مدیرکل حفاظت محیط زیست	خراسان رضوی، مهندس حمید صالحی
۱۶	مدیرکل منابع طبیعی	آبخیزداری خراسان رضوی، مهندس هادی باقری
۱۷	رئیس دانشکده	معماری و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد، دکتر کمال الدین ناصری
۱۹	عضو هیئت مدیره انجمن علمی	است گردی ایران، دکتر فرید جواهرزاده
۲۰	رئیس هیئت مدیره	و مدیرعامل شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی، مهندس محمدحسین جعفری
۲۱	ویراستار	سیدجلال قیامی میرحاجی
۲۳	مقدمه نویسنده	
۳۵	درباره استان خراسان رضوی	
۳۷	فصل یکم: جاذبه های طبیعی استان خراسان رضوی	
۳۹	آبشار	
۵۹	آب گرم، آب معدنی، چشمه	
۸۹	اولنگ، پارک جنگلی، تفرجگاه	
۹۵	تالاب، دریاچه، یخچال طبیعی	
۹۷	جنگل، درختان کهنسال، نیزار	
۱۱۹	عکس های جاذبه های طبیعی	
۱۳۵	چاه، غار، مغاره، اثر دستکند، سُم	
۱۷۱	معادن تاریخی	
۱۷۹	چشم انداز	
۱۸۱	دشت، دق، ریگ، کلوته، کویر، گلزار، نمکزار	
۱۸۴	رود، رودخانه	

۱۹۸	دره.....
۲۱۰	زو.....
۲۱۵	تنگل.....
۲۱۸	کال.....
۲۲۳	قله.....
۲۴۸	ساختارهای طبیعی.....
۲۵۶	مناطق زیر پوشش سازمان حفاظت محیط‌زیست.....
۲۶۳	روستاهای هفت گردشگری.....
۲۷۳	عکس‌های - بیه‌های طبیعی.....
۳۰۵	فصل دوم: آثار تاریخی استان خراسان رضوی.....
۳۰۷	آب‌انبار، حوض‌انبار، سرسره.....
۳۱۷	آتشکده، چهارطاقی، کلیسا.....
۳۱۹	آرامگاه.....
۳۲۹	مقبره.....
۳۳۹	امامزاده، سلطان، سید، شاهزاده.....
۳۵۳	بابا، بی‌بی.....
۳۵۸	پیر.....
۳۶۵	خواجه.....
۳۷۲	زیارتگاه.....
۳۸۱	قدمگاه.....
۳۸۳	مزار.....
۳۸۹	آسباد، آسیاب.....
۳۹۵	ارگ، در، قصر، قلعه، کاخ.....
۴۱۵	بازارهای تاریخی، سرا.....
۴۱۸	باغ، باغ پرندگان، باغ مزار، باغ گیاه‌شناسی، بوستان.....
۴۲۱	برج، برج آتش‌خیز، برج خاموشان، مناره، میل.....
۴۲۸	بند، تلخ، سد، سد انحرافی.....

۴۳۸	پل
۴۴۱	تپه‌های تاریخی
۴۵۸	محوطه‌های تاریخی
۴۶۴	نکبه، حسینیه، خانقاه، مصلی
۴۶۷	جاده، راه تاریخی، گردنه
۴۷۱	تیمچه، چاپارخانه، رباط، کاروان‌سرا
۴۸۴	حجاری، سنگ، سنگ‌نگاره، کتیبه
۴۹۳	حمام
۴۹۹	خانه تاریخی، عمارت، نمای قدیمی
۵۱۴	ساختمان‌های عمومی قدیمی
۵۲۰	سردابه، سنگ قبر، قبرستان، درستان
۵۲۸	شهر تاریخی، مجموعه تاریخی
۵۳۰	قنات
۵۳۴	مدرسه، مدرسه علمیه
۵۳۸	مسجد
۵۴۷	مکان رویداد حوادث تاریخی
۵۵۱	موزه
۵۵۹	یخچال، یخدان
۵۶۱	سایر آثار تاریخی
۵۶۹	عکس‌های آثار تاریخی
۵۸۵	واژه‌نامه
۶۰۵	منابع اصلی
۶۰۶	منابع جانبی
۶۰۸	جدول تقسیمات استان خراسان رضوی
۶۱۴	نقشه‌ها
۶۴۳	سایر آثار نویسنده

مقدمه نویسنده

از نوجوانی آرزو داشتم تمام خاک پاک ایران را از نزدیک ببینم. بارها از خود پرسیدم، چرا به کوه می‌روم؟ طبیعت چه رمز و رازی در خود دارد که وقتی شیفته‌اش شدمی، قادر به رها کردنش نیستی، با وجود همه سختی‌ها و نامایماتش هم‌چنان تو را به‌سوی خود می‌خواند و تو هر بار با کوله‌ای به پشت، در راه آن هستی؟ حس کنجکاوی، ماجراجویی، هیجان‌طلبی، فردای غیرقابل پیش‌بینی، خلوت با خود، دیدن زیبایی‌ها، تحرک، ورزش و تنفس در هوای پاک شاید پاسخی به این پرسش‌ها باشد.

در گذشته، کوه‌نوردی و گردشگری، جایگاه چندانی نداشت اما خوشبختانه امروزه جای خود را در میان مردم و مسافران باز کرده و کانون توجه شده است. در این میان، با خود اندیشیدم، سروسامانی به نوشته‌ها، خاطرات و سفرنامه‌ها داده، آن‌ها را به زیور طبع بیارایم تا راهنمایی باشد برای علاقه‌مندان به طبیعت و آثار تاریخی. مطالع این اثر به شما یاری می‌رساند که برای گذران تعطیلات، به کجا بروید و چه برنامه‌ای داشته باشید. اهداف طبیعی و دیدنی‌های اطرافتان آشنا شوید و از کمترین زمان، بیشترین استفاده را بنمایید. من می‌توانم یک ایرانی علاقه‌مند به آب و خاک کشورم برای به ثمر رساندن این کار از جانم مایه گذاشتم، زیرا هیچ چیز آسان به‌دست نمی‌آید. کلیه سفرها و جست‌وجوها و پژوهش‌های میدانی و نیز چاپ کتاب با سرینه شخصی انجام شده، سعی من برداشتن گامی بلند در شناسایی و معرفی دیدنی‌های طبیعی و تاریخی استان خراسان‌رضوی بوده است. در این راه کوشیدم آگاهی‌های ارایه شده صریح، ساده و سودمند باشد و در نهایت اختصار از هر جاذبه طبیعی و تاریخی که جنبه گردشگری دارد، سخنی به میان آید.

نگارش این کتاب بر مبنای نوشته‌ها و خاطرات شخصی انجام یافته که بر پایه سفرها و مشاهدات میدانی‌ام صورت گرفته، یعنی بیش از هشتاد درصد این اطلاعات حاصل مراجعه شخصی‌ام به مکان‌های یادشده بوده است. غالب مطالب این کتاب برای نخستین بار توسط این جانب نوشته شده و پیش‌تر در هیچ منبعی نیامده که نشانگر زوایای پنهان جاذبه‌های گردشگری خراسان‌رضوی است. راه می‌افتادم در دل طبیعت و از نزدیک بررسی و پژوهش کرده، مشاهداتم را یادداشت می‌کردم. در طی بیش از ۳۳ سال کوه‌نوردی، طبیعت‌گردی و عملیات میدانی، اطلاعاتی را گردآوری کردم و برای تکمیل آن‌ها به این ترتیب ادامه دادم: از طریق ملاقات حضوری، مراجعه، مشاهده، مذاکره، تحقیق، تفحص، مطالعه، پرسش و پاسخ، کنجکاوی، بررسی تاریخ شفاهی و هر راهی که فکرش را بکنید، از هزاران نفر افراد محلی، شکارچیان، کوه‌نوردان، افراد سال خورده و قدیمی، مطلعان، چوپان‌ها، محیط‌بانان، دشتبانان، دهیاران، قاچاقچی‌ها، راهنمایان قدیمی، کارشناسان میراث‌فرهنگی، حفاظت محیط‌زیست، منابع طبیعی، زمین‌شناسی، معادن، سازمان آب، تقسیمات کشوری استانداری، گردشگران،

مشتریان روستایی بانک، نیروهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی، استادان دانشگاه و تحقیق از بسیاری دیگر از علاقه‌مندان. سپس اطلاعات را طبقه‌بندی و ویرایش کردم. غرور بی‌جا نداشتم، هر وقت چیزی نمی‌دانستم، با شتاب می‌پرسیدم، حتی از کسی که نخستین روز آمدنش به کوه بود، چون باور من در زندگی این است که تا نپرسی، چیزی یاد نمی‌گیری.

از نظر تنوع و تعداد آثار معرفی‌شده، این کامل‌ترین کتابی است که تاکنون راجع به جاذبه‌های طبیعی و آثار تاریخی استان خراسان رضوی منتشر و در آن ۵۵۰۰ مکان دیدنی شناسانده شده است. در هیچ منبع و مرجعی چنین اطلاعاتی را نخواهید یافت. از آنجا که شخصاً به مکان‌های نام‌برده شده مراجعه و تحقیق کرده‌ام، اطلاعات آن دسته اول بوده، شما آب را از سرچشمه خواهید نوشید.

هنگام نوشتن این کتاب، اگر درباره موضوعی تردید می‌کردم، بی‌درنگ با اهالی، منطقه تماس می‌گرفتم و حتی شده یک ساعت تمام تلفنی صحبت می‌کردم تا شک به یقین تبدیل شود و اطلاعاتی که در اختیار می‌گذارم تا حد ممکن کامل و درست باشد. این کتاب برای علاقه‌مندان به طبیعت و آثار تاریخی به مثابه یک گنج می‌باشد، چرا که در آن، تمام مکان‌های دیدنی و تاریخی خراسان و راه رسیدن به آن آمده است.

صفحه به صفحه، سطر به سطر، دلم به دلم این کتاب حاصل پژوهش، عملیات میدانی و تلاش شبانه‌روزی‌ام بوده، به‌طوری‌که شخصاً به عشق و علاقه به سف‌نشینی، سنگ‌به‌سنگ، تک به تک، جای به‌جای به هر سویی که فکرش را بکنید، سرزدم و کتاب این استان را در نور دیدم.

آنقدر اینجا و آنجا رفتم که اسامی مکان‌ها ملکه ذهنم شده است. حتی وقتی در قبرستان راه می‌روم و نوشته‌های روی قبر را می‌بینم، از روی پیشوند و پسوند و نام فامیل، مردگان، ناخودگاه محل زادگاه آن‌ها جلوی چشمم می‌آید که مثلاً فامیل بیات، زادگاهش روستای عبدالله و سروالیت است.

سال‌ها در مورد وجه تسمیه اسامی مکان‌ها، کوه‌ها، غارها، آبشارها، سایر آثار پژوهش‌های میدانی گسترده‌ای انجام دادم و نتایج خوبی گرفتم. پیش آمد که چندین سال در پی مدت‌ها گذاری مکانی بودم تا سرانجام، آن را دریافتم و مثل یک کاشف که پرده از رازی برمی‌دارد خشنود شدم. در تمام این سال‌ها برای شناسایی این آثار، نیرویی عجیب همواره مرا به گشت‌وگذار در طبیعت وامی‌داشت. همیشه این پرسش برایم مطرح بود که پشت این کوه چیست و پس از پیچ این رودخانه، چه منظره‌ای انتظارم را می‌کشد. پیش از سفر اطلاعات کافی درباره دیدنی‌های منطقه به‌دست آورده، با رساندن خودم به محل، طی عملیات میدانی از تک‌تک آن‌ها دیدن کرده‌ام.

برای من سفر، یعنی زندگی. سفر، کتابی گشوده پیش روی آدمی است. در این راه، هیچ عاملی نمی‌توانست سدا را هم شود. همه مکان‌ها را به دنبال دیدنی‌های طبیعی و تاریخی می‌جستم و هیچ چیز را نادیده نمی‌گرفتم، از نوک قله‌ها تا اعماق غارها، در سرما و گرما در حال جست‌وجو بودم و بیشتر

درآمدن را صرف این کار می‌کردم. با کنجکاو و پرس‌وجو، دیدنی‌های جدیدی را از دل طبیعت شناسایی نموده، با مراجعه به استانداری، فرمانداری‌ها، بخشدارهای، دهیاری‌ها، سازمان حفاظت محیط‌زیست، میراث‌فرهنگی، آستان‌قدس رضوی، اوقاف، هیئت‌ها و باشگاه‌های کوه‌نوردی، دانشگاه، سازمان صنایع و معادن، سازمان نقشه‌برداری، سازمان زمین‌شناسی، نیروهای مسلح، اداره اطلاعات، کتاب‌خانه‌ها و پایگاه‌ها و سایر سازمان‌ها، ضمن اطلاع‌رسانی، یافته‌هایم را تصحیح و سامان‌دهی می‌کردم. اگر بدانید در این راه با چه مصیبت‌هایی روبه‌رو شدم و با تحمل چه سختی‌هایی کارم را پیش بردم، اشک از چشمانتان سرازیر خواهد شد.

این پرسش شب و روز در ذهنم تداعی می‌شد که برای ماجراجویی و جست‌وجو در طبیعت و دیدن آثار و جای مانده از گذشتگان، به کجا سفر کنیم؟ کوشیدیم تا حد امکان به مکان‌های تکراری سفر نکنیم. دوستی می‌گفت: «تو به حال پنجاه بار به قله دماوند صعود کرده! در پاسخ گفتم: خوب است، ولی شما فرصت صعود ۴۹۰۰ نفر دیگر را از دست داده اید! با خود می‌اندیشیدم، طول عمر انسان، عرضی هم دارد، عرض عمر مهم‌تر از طول آن است. یعنی اینکه در ایام زندگی موفق به انجام چه کار خاص و مهمی شده ایم، وگرنه از طول عمر ۱۰۰ ساله بی‌نتیجه، چه ثمر؟ وقتی سرمایه و وقت و نیرویم را صرف می‌کنم، چرا به جای تکراری بروم و مکی جدید را نبینم؟

همواره برای کشف غارها و جاهای نامکشف سیعت، پیش‌گام بودم و اشتیاقم برای این کار پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسید. تا پایان سال ۱۳۹۶، تعداد چهارصد دهانه غار را فقط در استان خراسان رضوی شناسایی کردم و به "پدر غارشناسی خراسان" معروف شدم. کافی بود تنها یک کلمه درباره یک مکان دیدنی بشنوم تا با عزم جزم و همت بلند، آستین‌ها را بالا زده بلندکوه‌ها را محکم سازم و کوله به پشت، زمین و زمان را بگویم تا پیدایش کنم. وقتی آمار یک غار جدید را می‌گرفتم، انگار وظیفه داشتم آن را شناسایی و پیمایش کنم، وگرنه خوابم نمی‌برد!

در کوه‌ها، دره‌ها و بیابان‌های بکر به‌حدی سیروسفر کردم که همچو حیوانات وحشی، تنهایی و رهایی در طبیعت را برگزیدم و دیگر تحمل ازدحام و شلوغی و هیاهو را نداشتیم. هنگامی که به کوه می‌روم، دوست دارم در طبیعت غرق شوم و چشمم به انسان‌هایی که با تخریب طبیعت به آن لطمه می‌زنند، نیفتد. بر فراز کوه احساس می‌کنم با کوله و کوه، یکی شده‌ام. شاید شما نیز چنین احساسی را در دامان طبیعت تجربه کرده باشید.

سال‌ها پیش وقتی به قله‌ای صعود می‌کردم و از فراز آن به دور دست می‌نگریستم، ارتفاعات و چشم‌اندازهای زیادی را می‌دیدم که برایم جای پرسش داشت، اما امروز آن‌قدر به مناطق تسلط یافته‌ام که کمتر جای پرسشی برایم باقی مانده است، چرا که پیش‌تر پایم به جاهایی که اکنون می‌بینم رسیده و

خاک آنجا با جایی که ایستاده‌ام، برابر است و می‌توانم در همان لحظه، خودم را در تمام قله‌ها و مکان‌هایی که حالا دارم می‌بینم، مجسم کنم، چون زمانی نیز در آنجا بودم.

با علاقه و شوق وصف نشدنی، موشکافانه در پی شناسایی آثار تاریخی و طبیعی بودم. شد که در یک برنامه دو روزه، ۳۶ ساعت از ۴۸ ساعت را کوه‌پیمایی کردم، نه برای صبحانه ایستادم، نه برای ناهار و شام. در حین حرکت، غذا می‌خوردم. بسیاری افراد بار اول و آخرشان بود که با من همراه می‌شدند، به این دلیل که به آن‌ها سخت می‌گذشت. تعجبی هم نداشت، چون هدف آن‌ها از سفر، تفریح بود و هدف من، تحقیق. در این راه، بارها دچار حادثه شدم، هر حادثه‌ای که فکرش را بکنید: سقوط، شکستگی، در رفتگی، حمله حیوانات، گم شدن، گزیدگی، مواجهه با اشراق و قاجاقچیان، درگیری با اوباش و سرگردنه گیران، گیر افتادن در میان صخره‌ها و لایخ بند شدن، گرفتار گشتن در رمل و باتلاق، گیر کردن در لولاک و مه یخی، سرما زدگی، مواجهه با رانش زمین و ریزش کوه و قرار گرفتن در شرایط بحرانی. بارها بارها یک قدمی مرگ پیش رفتم و با تمام وجودم بوی مرگ را احساس کردم، از همه چیز و همه کس جدا شدم، تنها او بود که مرا به زندگی بازگرداند. فقط پنج بار در راه‌های ناهموار با خودروهایی که توسط بگران هدایت می‌شد، چپ کردم، در شرایطی بارها تا مرز غرق شدن پیش رفتم، چندین و چند بار دچار سیل شدم یک بار سیل خودم و خودرو و تراکتوری را که برای کمک آمده بود، به خاک ترکمنستان برد. چشم بسته و سر و روی گلی، خودم را از سیل بیرون کشیدم. از سوی دیگر، در حین طبیعت‌گردی، بارها و بارها موفق شدم جان افرادی را در کوه و بیابان از مرگ حتمی نجات بدهم و از این بابت خدا را شکر کنم.

گم شدن در راه‌ها، کوه‌ها و غارها، تحمل سرما و گرما، سنگ، گرسنگی و صدمات بدنی برایم امری عادی بود. سحرخیزی، شب‌روی، پیمودن راه‌ها در هر شرایطی، زردی، برف، آفتاب، تازیانه باد و بارش برف و باران، جزئی از زندگی‌ام به‌شمار می‌رفت. برای رسیدن به مقصد راه به هر وسیله‌ای متوسل می‌شدم. با بی‌نفس (وسایل نقلیه موتوری) و نفس‌دار (اسب، قاطر، الاغ، شتر) یا پای پیاده. برای شناسایی مناطق طبیعی و آثار تاریخی، آن‌قدر اینجا و آنجا رفتم که حتی در خواب نیز پیوسته خود را در حال سیر و سفر و در حال مذاکره با افراد محلی و گرفتن نشانی می‌بینم. سال‌ها تنها به کوه رفتم، با راهنماهای محلی به جست‌وجو پرداختم و گروه‌های کوه‌نوردی، دانشجویان و گردشگران را سرپرستی کردم. جلد چهارم سفرنامه‌ام در حال تدوین است. برای علاقه‌مندان، حواشی کار من، خود به تنهایی کتابی مفصل و جذاب می‌نماید که شاید روزی آن را نوشتم.

در زندگی ماجراجویانه‌ام فراوان به استقبال خطر رفتم. خطر در: اکتشاف‌های غارنوردی، سنگ‌نوردی، دره‌نوردی و صعودهای طبیعی، شنا در آب‌های نا امن، در جبهه جنگ، در ورود به مناطق خطرناک و محل تردد اشراق و قاجاقچیان، در شناسایی مناطق بکر و وحشی، در رانندگی آفرود در کوه

و صحرا و بیابان، در گل و برف و شیب‌های طولی و عرضی، در موتور سواری با تریل در مناطق دور افتاده و صعب‌العبور، در روبه‌رو شدن با حیوانات درنده، مارهای سمی و جانوران زهرآگین. هر جور اتفاقی که فکرش را بکنید، سر من آمده، اما در سخت‌ترین شرایط مبارزه کرده و تسلیم نشده‌ام، به خواست خدا زنده بودم شبیه یک معجزه است. هنوز دوستانم پس از سال‌ها می‌گویند: "شیخ، هر وقت اسم تو را می‌شنویم، پشتمان به لرزه می‌افتد، چون به یاد برنامه‌های سخت و ماجراجویانه تو می‌افتیم".

توان خودم را در تحمل شرایط سخت بارها و بارها در آزمون‌های مکرر عملی به چالش کشیدم و این در طبیعت‌گردی موضوع بسیار مهمی است. افراد معمولاً درک درستی از توان و استعداد‌های خود ندارند، حتی خودشان را خوب نمی‌شناسند و راجع به خودشان فکریایی دارند، اما پای عمل که می‌رسد، زمین تا آسمان متفاوت‌اند. ممکن است فردی ساده و معمولی در شرایط سخت و بحرانی چنان خودی‌شان دهد که انگشت به دهان بمانیم و برعکس، کسی را هم که خیلی اهل می‌دانستیم، در آزمون مردود شود. ای‌اها خویشتن را بهتر بشناسم، ابتدا از نظر دانش و علوم و فنون لازم و مرتبط، خودم را به حد مطلوبی رسانم، بسیاری کارها را تجربه کردم و بسیاری از دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی را گذراندم از جمله، مدار کمک‌های اولیه، تزییقات، کارآموزی کوه‌نوردی، سنگ‌نوردی، کارآموزی برف‌ویخ، مهارت‌های هفت‌گانه جهت‌یابی، کار با قطب‌نما، نقشه‌خوانی، غواصی، پاراگلایدر، پاراسل، جی‌پی‌اس، آفرود، موتور تریل، گیاهان دارویی، مارشناسی، زمین‌شناسی، باستان‌شناسی و هواشناسی. سپس سال‌ها به تنهایی کوه‌نوردی و گردشگری کردم و تک و تنها برای شناسایی مناطق به کوه‌ها و جنگل‌ها و بیابان‌ها رفتم. به این ترتیب، سرعت عملم بالا رفت، خطراتش را نیز به جان خریدم. اگر می‌خواستم این کار را با جمع انجام دهم، به نداری مسایل حاشیه‌ای و هماهنگی لازم داشت که به جای ۳۳ سال، صد سال طول می‌کشید تا این کتاب به چاپ برسد!

در آموزه‌های اولیه کوه‌نوردی، وقتی شعار "هرگز تنها به کوه نرو" را می‌شنوم، خنده‌ام می‌گیرد. البته این شعار برای خانم‌ها روا و شایسته است، اما مردی که نتواند تنها به کوه برود چیزی از طبیعت نیاموخته و نتوانسته با طبیعت کنار بیاید. وقتی این کاره باشید، احساس تنهایی نمی‌کنید. طبیعت با زبان بلند با شما حرف می‌زند تا جایی که حتی از نوع غارغار کلاغ می‌توانید وضع هوا را در آینده نزدیک پیش بینی کنید، اما چنین درکی مستلزم این است که دست‌تان پر بوده، سال‌ها شاگردی کرده، اندوخته‌های زیادی همچون دانش، فن، تجربه، اعتماد به نفس، جرئت، قدرت تصمیم‌گیری، توان بدنی و مهم‌تر از همه، استعداد این کار را داشته باشید. یک کوه‌نورد باید دایره المعارف متحرکی باشد از انواع اطلاعات مرتبط به طبیعت‌گردی. هر کس یک کوله انداخت پشتش، کوه‌نورد نمی‌شود! هر کس اسلحه دستش گرفت، شکارچی نمی‌شود! هر کس ماشین دو دیفرانسیل سوار شد، آفرودکار نمی‌شود! کوه‌نورد با کوه‌رو فرق دارد. شکارچی با شکارکش فرق دارد. کوه‌نورد باید زمین‌شناسی، جانورشناسی

و گیاه‌شناسی بدانند، چون با این‌ها سرو کار پیدا می‌کند. جهت‌یابی، ستاره‌شناسی و هواشناسی را به‌طور عملی بدانند، نه نظری، نه مثل کتاب‌های پیشاهنگی یک مجموعه اطلاعات را فقط حفظ باشد. اینجا و آنجا که می‌رود، با مردمان متفاوت سرو کار دارد، باید مردم‌شناسی بدانند. سر راهش به آثار تاریخی برمی‌خورد، پس باید تا حدودی تاریخ و باستان‌شناسی بدانند. برای مثال، معماری ساسانی از صفوی را تشخیص بدهد. شخصیت‌هایی را که در این آب و خاک به دنیا آمده، کوشیدند و اثر گذار بودند، بشناسد و قدردانشان باشد تا برای مثال، اگر به شهر تاریخی کلات نادری رفت، برایش این پرسش به‌وجود بیاید که چرا به‌جای مجسمه نادرشاه افشار که نماد این شهر است، در کنار قصرخورشید، مجسمه بلال حبشی خود می‌نماید! چرا سعی نمی‌شود هویت تاریخی ما ماندگار بماند؟ گاهی با گروه‌های تازه کار، هم‌ا می‌شوم، می‌بینم به‌جای تحقیق و جست‌وجو و تفکر، بیشتر به گرفتن سلفی، آواز خواندن، پانتومیم و خوش‌گذرانی علاقه نشان می‌دهند تا شناخت توپوگرافی، پوشش گیاهی و تنوع جانوری منطقه! البته در این هم گناه ماست که نتوانسته ایم نسل‌های آینده را آن‌طور که باید، پیش ببریم و پرورش بدهیم.

در گذشته، کسی بود به‌نام حکیم طباطبائی می‌کرد، امروزه شده پزشک عمومی، پزشک متخصص و ... کوه‌نوردی نیز همین‌طور است. سر قدیم یک کوه‌نوردی بود و حالا سنگ‌نوردی، یخ‌نوردی، هیمالیانوردی، دره‌نوردی، غارنوردی، رودگرایی و ... علاقه من غارنوردی، جغرافیای طبیعی، کشف، تجسس، تحقیق، پژوهش، شناسایی و معرفی آثار طبیعی و تاریخی بوده است. اگر منطقه‌شناسی را به‌عنوان یک شاخه از کوه‌نوردی و گردشگری به‌شمار آوریم با اعتماد به‌نفس و قدرت تمام اذعان می‌کنم بیش از هر کسی در این وادی کوشیده کرده و استخرن خرد کرده‌ام. به‌حدی این‌سو و آن‌سو سفر کرده‌ام که میان روستاها و محله‌ها به اندازه یک لشکر دوست و آشنا دارم. دوستانم به شوخی می‌گویند، حتی سگ‌های گله هم تو را می‌شناسند! و این گفته زیاد هم بیهوده نیست، چون این قدر در منطقه‌ها رفت‌وآمد کرده‌ام که پوستم کنده شده و آن‌قدر تسلط یافته‌ام که حتی از روی یک نام، تمام اطلاعات منطقه و آثار آن بر زبانم جاری و موجب تعجب اطرافیان می‌شود. درباره شناسایی جاذبه‌های طبیعی و آثار تاریخی، مطالعات و تحقیقاتم تنها محدود به خراسان نبوده، در داخل و خارج از کشور نیز کارهایی انجام داده‌ام که اگر عمری باقی بود، شاید روزی آن‌ها را هم به چاپ رساندم. در طی سال‌ها افراد بی‌شماری از علاقه‌مندان به کوه و طبیعت را دیدم که وارد این کار شدند، چند صباحی آمدند و رفتند، اما من همچنان تا امروز با پشتکار روز افزون به‌کارم ادامه داده‌ام، از نوجوانی هنگامی که خودم را شناختم، دنبال این کار بودم، در آینده هم به‌کارم ادامه خواهم داد. پدرم نیز اهل گشت و گذار بود و همیشه به ما می‌گفت: "عمرم در سفر و حذر طی شد." نورمحمدخان" پدر بزرگم نیز اهل سفر بود و با قافله شتر به شهرها و کشورهای دور و نزدیک از جمله پاکستان و افغانستان سفر می‌کرد.